

معرفی مناقب عبداللطیف اثری تقریبی در قرن دهم هجری



■ عبدالله فرهی

عضو هیئت علمی گروه تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی

farrahi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۵

چکیده

مناقب‌نگاری ائمه در عهد صفویه را می‌توان مهم‌ترین رویکرد مورخان این عصر در توجه به تاریخ صدر اسلام دانست؛ چرا که پادشاهان صفوی مشروعیت خود را از امامت اهل بیت داشتند و نه خلافت خلفا. بنابراین مورخان برخلاف قدمای خود به جای نظریه خلافت به نظریه امامت و ولایت تمایل یافتند. این نوع مناقب‌نگاری را می‌توان دنباله مناقب‌نگاریهای صوفیانه سنی و شیعه در عصر پیش از صفویه دانست که مفهوم «شیعه اثنی عشریه» از مفاهیم اصلی و کلیدی در این آثار بود. مناقب عبداللطیف دقیقاً در راستای چنین اندیشه‌ای تألیف یافت. عبداللطیف از عدد ۱۲ در بیان مراحل آفرینش و از نور محمدی و اهل بیت عصمت و طهارت به عنوان سرمنشأ خلقت بهره برده است. به نظر می‌رسد که این اثر، اثری حکومتی و البته در عین حال عوام‌پسندانه باشد که به ذکر اشعار فراوان در بیان مناسبت‌های گوناگون زینت یافته است.

کلیدواژه‌ها: مناقب‌نگاری، شیعه اثنی عشریه، صفویه، مناقب عبداللطیف.

مقدمه

نمونه می‌توان به محمد بن اسحاق حموی اشاره نمود.^۴ بدین ترتیب، در عصر صفویه تألیفات متعددی شامل ۱۹ کتاب در سیره ۱۲ امام (ع) و ۱۴ کتاب در مناقب ایشان به رشته تحریر درآمد که در اینجا تنها به ذکر نام شماری از آنها بسنده می‌کنیم: *انیس المؤمنین*^۵ نوشته محمد بن اسحاق حموی (زنده در ۹۳۸ق)، *تاج المناقب* نوشته حسین بن عبدالحق اردبیلی (د احتمالاً ۹۵۰ق)، *لوامع الانوار* نوشته حسن بن علی زواره‌ای (د احتمالاً ۹۸۸ق)، *اخبار علیّه* در *غزوات مرتضویه* نوشته محمد فصیح خاکسار در سال ۱۰۵۷ق، *احسن السیر* نوشته محمدکاظم شوشتری فرزند مجتهد حیدر علی در سال ۱۱۴۱ق، *فوحات القدس* نوشته سید یوسف علی بن محمد جرجانی (قرن یازدهم قمری)، ترجمه *الارشاد* نوشته محمد مسیح کاشانی (قرن یازدهم قمری)، *حلیة الابرار* و نیز *مدینة المعاجز* نوشته سید هاشم بحرانی (د ۱۱۰۷ق)، *التتمه فی معرفه الائمّه* نوشته سید تاج‌الدین بن علی عاملی (قرن یازدهم قمری)، *کاشف الغمه* نوشته میرزا محمد بن محمدرضا قمی (د ۱۰۷۵ق)، *ریاض الابرار* نوشته سید نعمت‌الله بن عبدالله شوشتری موسوی جزایری (۱۱۲ق) و *آثاری ادبی همچون اساس الایمان* سروده سید محمد موسوی متخلص به «واله» (۱۰۹۵-۱۱۸۴ق) و *امام نامه* سروده^۸ اکرم در ۲۰ صفر ۱۱۹۳ق.^۹

این‌گونه تألیفات از آغاز حاکمیت صفویان (۹۰۷ق) بر ایران به سبب فراهم شدن فضای بازتر مذهبی و نیز حمایت‌های مستقیم و غیر مستقیم شاهان صفوی از تدوین کتابهای علمی - مذهبی، رو به افزایش نهاد. این مسئله، به ویژه در عهد شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ق) که خود مشوق مؤلفان و مترجمان بود، رونق بیشتری یافت، به طوری که تنها به فرمان وی دو کتاب در موضوع سیره به قلم علی بن حسن زواره‌ای (د ۹۸۸ق) نویسنده و مترجم پیرکار این عصر، تألیف و ترجمه شد. زواره‌ای در اهمیت مناقب‌نگاری و آشنایی با مناقب اهل بیت تا آنجا پیش رفت که آن را واجب شمرد: «بر همه کس واجب و لازم است که در تحقیق احوال و آثار و تفتیش مناقب و اخبار ایشان نهایت سعی و کمال اجتهاد به تقدیم رسانند و قدم ثبوت و رسوخ در منهج راست و مسلک درست نهند تا از لمعان انوار ایشان مستفیض گشته از ظلمات شبهات باطله برهند، و از درکات اهل شقاوت و نفاق خلاصی یافته به درجات عالیات ارباب سعادت و وفاق برسند».^۱

جز کتابهای نوشته شده به دستور شاهان و دولتمردان صفوی، تألیفاتی نیز به نام ایشان تألیف و به آنان تقدیم می‌شد که شمار آنها در این دوران بسیار است.^۲ این رویه، در اواخر عهد صفوی به اوج خود رسید، به طوری که در دوره شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ق) بیش از ۱۳۰ کتاب به نام وی نوشته شد. تأثیر غیر مستقیم حاکمیت صفویان بر افزایش مناقب‌نگاری که از طریق فراهم شدن زمینه مساعدتر برای فعالیت نویسندگان شیعه و آزادی عمل بیشتر عالمان شیعه برای ابراز عقایدشان و ترویج مذهب تشیع تجلی یافته بود، موجب خرسندی آنان شد و این خرسندی را می‌توان در تجلیل و تمجیدهای مؤلفان مذکور در مقدمه کتابهایشان از شاهان صفوی و عملکرد ایشان در ترویج و تعالی مذهب تشیع مشاهده کرد.^۳ برای

۱. الذریعه، ج ۲، ص ۳۶۸؛ ترجمه المناقب، ج ۱، ص ۱۲ و ۱۳، مقدمه شعرانی؛ «روش‌شناسی تدوین سیره امامان در بحار الانوار»، ص ۲۸.
۲. صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۳، ص ۱۳۳.
۳. رک: «روش‌شناسی تدوین سیره امامان در بحار الانوار»، ص ۲۸.



۴. رک: *انیس المؤمنین*، صص ۱۷۷ و ۱۷۸.
۵. در سال ۹۳۸ق نوشته شده است. نویسنده نخست *منهج الفاضلین* را به تفصیل به فارسی نگاشته و سپس این کتاب را از آن برگزیده است (نک: فهرست‌واره کتابهای فارسی، ج ۳، ص ۱۵۵۶).
۶. این کتاب به زبان عربی است و در سال ۱۲۶۱ق توسط حاجی محمد بن غلام با خط نسخ کتابت شده است (نک: فهرست رایانه‌ای نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، از ۲۲۷ تا ۵۵۳، ص ۵۳۵).
۷. این کتاب در احوال ۱۲ امام است. واله در خراسان زاده شد، در حیدرآباد شکوفا شده و در هند درگذشته است. در آن ۲۰ سال کار کرده و در ۱۲ «اساس» و یک «خاتمه» در سن ۵۰ سالگی به اتمام رسانده است. *نجم‌الهدی* یکی دیگر از آثار وی می‌باشد که همانند اثر ذکر شده، به نادرست از واله داغستانی دانسته شده است (نک: فهرست‌واره کتابهای فارسی، ج ۳، ص ۱۵۴۴).
۸. سراینده از مردم گورالی (نزد گجرات پنجاب پاکستان) بوده است. این اثر یک نسخه برجای مانده است (نک: همان، ج ۳، ص ۱۵۵۱).
۹. رک: *معجم ما کتب عن الرسول و اهل‌البیت*، ج ۱۰ و ۱۱؛ فهرست‌واره کتابهای فارسی، ج ۳.



شیعه اثنی عشریه، مذهب حاکم ایران عصر صفوی

در عصر صفوی مذهب تشیع مورد توجه و حمایت حاکمان صفوی قرار گرفت و از آن به عنوان مذهب حقه دفاع شد. دقیقاً در همین راستا، مورخان این عصر توجه خاصی به دو واژه «شیعه» و «اثنی عشریه» داشتند و این دو واژه به دو مفهوم محوری در مناقب‌نگاری عصر صفوی تبدیل شدند.

۱) شیعه

این مفهوم در میان اقطاب صوفیه کاملاً مورد توجه بود و تبعیت و پیروی محض مرید از مراد و مرشد خود نشان‌دهنده حرکت کمالی پیرو در رسیدن به حقیقت در مسیر سلوک الی الله بود. در واقع، صوفیه با طرف‌داری از مفهوم «شیعه» سعی در منطبق ساختن آن با نظام صوفیه داشتند. همچنین، اکثر قریب به اتفاق فرقه‌های صوفیه در بیان سلسله اقطاب خود از امام علی (ع) به عنوان سرسلسله مشایخ خود و قطب اول نام می‌برند، چیزی که حتی امروزه نیز در میان خانقاه‌های ایران رواج تام دارد و برخی فرقه‌های علی‌اللهی تا به امروز نیز امتداد یافته‌اند، اندیشه‌ای که چه بسا تا حدی متأثر از مسیحیت در میان ایرانیان راه یافت و رواج آن را در میان صوفیه قبل از روی کار آمدن صوفیه و آثار مورخان و مناقب‌نگاران آن دوران و عصر صوفیه در توجه به شخصیت عیسی مسیح (ع) می‌توان ملاحظه نمود که البته با توجه به شخصیت عیسی مسیح (ع) در کناره‌گیری از سیاست - به اعتقاد مسیحیان - در ایران ماقبل صفوی ظاهراً این گرایش نمود پررنگ‌تر و بارزتری دارد.^{۱۰} مهم‌ترین نویسنده مورد توجه مناقب‌نگاران عصر صفوی نیز علی بن عیسی اربلی بود که بهترین ترجمه آن توسط مورخ پرکار علی بن حسین زواره‌ای انجام شد، مؤلف توانایی که در تصانیف خویش به تصوف مایل است. به گفته علامه شعرانی «در آن عهد تصوف در شیعه عیب نبود، چنان که امروز هم در اهل سنت عیب نیست؛ چون متصوفه اهل دین و تقوا و متشروع بودند و غالباً خود از فقها و محدثین مانند قاضی نورالله تستری و فرق آنها با غیر متصوفه توجه به معنی و تهذیب نفس و تحصیل

مکارم اخلاق بود، نه بدعت و انکار شرع». البته باید توجه داشت که با روی کار آمدن صوفیه و استفاده آنها از علمای متشروع شیعی، به ویژه از ناحیه جبل عامل لبنان، کم‌کم اختلافات میان شیعه و صوفیه، به خصوص در زمینه مناسک‌گرایی، آشکارتر شد.

بدین ترتیب صوفیه توانست خود را در پیوندی عمیق با شیعه، چه با توجه به معنای لغوی و چه اصطلاحی آن، احساس کند، بنابراین صوفیه سیاسی فاقد ایدئولوژی مشخص، در انطباق با شیعه و اصول فکری آن گسترش یافت و در عین حال به استقرار مذهب شیعه نیز در ایران کمک نمود.

۲) اثنی عشریه

واژه دیگری که بسیار در این عصر مورد توجه قرار گرفت، واژه «اثنی عشریه» است. نویسندگان عصر صفوی تلاش فراوانی نمودند تا مفهوم اثنی عشریه را در یک جهان‌بینی مشخص و نظام هستی‌شناختی مورد بازنگری و توجه مجدد قرار دهند و در عین حال، خود را از سایر فرق شیعه نیز مجزاً نشان دهند.

آنها در تلاش جهت ارتباط میان آفرینش و نظام خلقت با ۱۲ امام سعی نمودند تا نظام دوازده‌گانی را با نظام شصت‌گانی پیوند زنند و مراحل شش‌گانه آفرینش، نمادهای دوازده‌گانه ایام و گردش شب و روز، همچون ۱۲ ماه و ۲۴ ساعت و ۶۰ دقیقه و ۶۰ ثانیه را با خلقت نور ۱۲ امام و پنج تن آل‌عبا پیوند زنند و در گام بعدی، با تمسک به احادیث پیامبر (ص) که خلفای امتش را ۱۲ و فرق منشعب از امتش را ۷۲ معرفی می‌نمود، به اثبات حقانیت فرقه ناجیه، یعنی شیعه اثنی عشریه پردازند.

بخش دیگر کتب مناقب‌نگاری به احادیثی اختصاص دارد که سعی دارند سابقه مفهوم دوازده‌گانی را در بعد سیاسی به عصر نبوت و رسالت پیامبر اکرم (ص) بازگردانند، موضوعی که به عنوان باهایی در مجامع حدیثی شیعه و سنی، از جمله صحاح سته اهل سنت، بدل شده و از عصر صوفیه به بعد، به نحو گسترده‌ای از جانب علمای حدیث و مناقب‌نگاران مورد توجه و ارزیابی قرار گرفته است.^{۱۱} تبویب این‌گونه

۱۱. ترجمه المناقب، ج ۱، ص ۱۳، مقدمه شعرانی.

۱۲. نک: احسن الکبار فی مناقب الائمة الاطهار، برگهای ۲۳۲-۲۴۱؛ ترجمه المناقب، ج ۱، ص ۲.

۱۰. نک: مجموعه احادیث و اخبار ائمه، برگهای ۱۱۵-۱۲۵، ۱۳۹-۱۴۳، ۲۲۹، ۲۴۵، ۲۴۸ و ۲۶۲.



آثار نیز در ۱۲ باب جالب توجه است؛ گویی هر امام را بابتی و رسول را مدینه العلم می دانسته و براساس چنین اندیشه‌ای به تدوین کتاب خود پرداخته‌اند.^{۱۳} همچنین، کاربرد لقب «صفوة» برای «برگزیدگان» دو طایفه شیعی و صوفی نیز در میان مناقب‌نگاران جالب توجه است. این اصطلاح در عنوان کتابی نوشته ابن‌بزاز در ذکر مناقب، فضایل و کرامات شیخ صفی‌الدین اردبیلی، جد اعلای پادشاهان صفوی، درخشش خاصی دارد: «صفوة الصفا: مواهب السنیه فی مناقب الصفویه». ^{۱۴} این اصطلاح را نزد اربلی و زواره‌ای نیز در تمجید از اهل بیت می‌توان یافت: «ایشان (ائمہ اثنی عشر) برگزیدگان اله‌اند در میان عباد، و صفوة اویند از حاضر و باد...».^{۱۵} حسینی نیز در تاریخ ائمه در ذکر القاب معصومان دقت خاصی دارد و یکی از القابی که برای پیامبر اکرم (ص) ذکر می‌کند، «صفوة الصفوة من الأنجبین الأطهار» است.^{۱۶}

تاکنون پژوهش‌های نسبتاً گسترده‌ای درباره مناقب‌نگاری اهل بیت و تاریخ‌نگاری ائمه، به ویژه در میان شیعیان، صورت گرفته است، اما فهرست‌های موجود از نسخ خطی نمایانگر حجم عظیم کارهای انجام نشده در برابر کارهای صورت گرفته است.

معرفی نویسنده کتاب

این رساله نوشته عبداللطیف به سال ۹۲۱ق است. وی اهل قزوین بوده و در تسنن و یا تشیع وی نمی‌توان با قطعیت سخن گفت، به ویژه که وی در این رساله به دنبال ذکر مناقب و کرامات پنج تن آل عبا بوده و به هیچ وجه متعرض حوادث تاریخی اختلاف برانگیز بین شیعه و سنی نمی‌شود. به نظر می‌رسد وجود جماعت‌هایی از سنی و شیعه در محل سکونت ایشان در اتخاذ چنین رویکردی بی‌تأثیر نبوده است. هرچند که به نظر می‌رسد اکثریت مردم این منطقه در اوایل قرن دهم سنی بوده‌اند، ولسی محبت اهل بیت نیز در میان جماعت‌های چه شیعه و چه سنی رواج تام داشته

۱۳. از جمله نک: انیس المؤمنین؛ صفوة الصفا: مواهب السنیه فی مناقب الصفویه.

۱۴. تاریخ نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی، ص ۱۶.

۱۵. ترجمه المناقب، ج ۱، ص ۴.

۱۶. تاریخ ائمه، برگ ۱.

۱۷. مناقب، برگ ۱۰۶.

۱۸. همان، برگ‌های ۹۴-۹۹.

۱۹. همان، برگ ۹۳.

۲۰. تاریخ نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی، ص ۲۰.



محتوای کتاب

این نسخه خطی را می‌توان اثری در راستای ذکر مناقب پنج تن آل عبا دانست که به ترتیب دوران حیات پیامبر اکرم، فاطمه زهرا، علی، حسن و حسین (علیهم السلام) را مورد توجه قرار داده است. با نگاهی به چگونگی تبویب این کتاب می‌توان به نقاط عطف مورد توجه عبداللطیف در ذکر دوران حیات پیامبر و اهل بیت ایشان پی برد: قصه حضرت خاتم النبیین؛ مولود حضرت رسول؛ یتیم شدن حضرت رسول (ص)؛ شکافته شدن سینه حضرت رسالت؛ تجارت کردن حضرت رسول جهت خدیجه؛ نزول وحی؛ معراج؛ هجرت؛ بعضی از کرامات حضرت سید عالم؛ جنگ بدر کبری؛ جنگ احد؛ جنگ خیبر؛ وفات حضرت سید المرسلین؛ ولادت حضرت خواتون قیامت (علیها السلام)؛ نکاح بستن حضرت زهرا با علی مرتضی؛ وفات خاتون قیامت (علیها السلام)؛ مولود حضرت امیرمؤمنان؛ بعضی از فضایل مرتضی علی؛ شهادت حضرت امیر؛ مولود امام حسن و فضایل او؛ شهادت امام حسن؛ مولود امام حسین؛ بیعت طلبیدن جهت یزید از امام حسین؛ عداوت اصلی و فرعی میان امام حسین و یزید؛ فرستادن مسلم بن عقیل به کوفه و شهادت او؛ شهادت پسران مسلم بن عقیل؛ خبر دادن جبرئیل حضرت رسول را از شهادت امام حسین؛ رفتن امام حسین به کوفه و رسیدن به زمین کربلا؛ شهادت امام حسین و خویشان و موالیان؛ وقایعی که اهل بیت را بعد از شهادت امام روی نمود؛ فرستادن سر امام حسین و عورات به دمشق؛ عقوبات قاتلان امام حسین.^{۲۱}

اما عبداللطیف اثر خود را چگونه آغاز می‌کند؟ همان‌گونه که اشاره شد، مورخان عصر صفوی سعی در ایجاد پیوند میان نظام ستینی و اندیشه امامت و ولایت با خارق‌العاده نمودن آن از طریق برقراری ارتباط میان این پدیده با مفهوم دینی ۱۲ امامی در تشیع اثنی عشریه داشتند. از جمله نمونه‌های بارز در این زمینه، می‌توان به عبداللطیف اشاره نمود؛ وی در ابتدا پس از یک صفحه تمجید و تعریف از مقام شامخ نبی مکرم اسلام و ذکر یک شعر، اول خلقت پروردگار را بر مبنای حدیثی از پیامبر نور

محمد (ص) می‌داند و ماجرای آفرینش را بر مبنای عدد ۱۲ به دوره‌هایی تقسیم‌بندی می‌کند؛ از جمله، در مقام محبت به پنج دوره ۱۲ هزار ساله و آفرینش ۱۲ حجاب توسط حق تعالی که «در هر حجابی ۱۰۰۰ سال بداشت و آن حجب را مقام عبودیت گردانید»، اشاره می‌کند.^{۲۲} پس از بیرون آمدن نور از این حجب دوازده‌گانه؛ یعنی پس از ۱۲ هزار سال، نیز آدم آفریده شد.

مؤلف ماجرای خلقت را تا ازدواج عبدالله و آمنه به دنبال توطئه یهود دنبال می‌کند و در هر بخشی که می‌نویسد، آن را به شعری می‌آراید.^{۲۳} وی میلاد پیامبر (ص) را در سال فیل، ۸۸۲ سال پس از بعثت عیسی مسیح (ع) دانسته است؛ در زمانه‌ای که «در بلاد عرب، به جز بت‌پرستی به امر دیگر نمی‌پرداختند و در دیار عجم به جز متابعت شیطان هیچ کاری نمی‌کردند».^{۲۴} جالب اینکه مؤلف برخی گزاره‌های منابع تاریخی را نیز به اشتباه آورده است که برای نمونه می‌توان به وفات آمنه در سن شش ماهگی پیامبر اشاره نمود.^{۲۵}

وی در ضمن بیان مطالب، هیچ توجهی به ذکر مراجع خود ندارد و بیشتر به دنبال بیان کرامات معصومان و نشان دادن علو مقام آنان در قالب نثر و نظم است. اختصاص بایی به معجزات پیامبر نیز نشان دادن نیت مؤلف از نگارش چنین اثری در خارق‌العاده نشان دادن جایگاه معصومان است، قصدی که در این اثر به خوبی هویدا است. وی از باب ۸۷، یعنی ذکر وفات رسول‌الله (ص)، به آغاز کردن مجالسی می‌پردازد که «در مقتل و دهه متبرکه عاشورا خوانده می‌شود».^{۲۶} ذکر اشعار فراوان برای هر مناسبت و ماجراهای مردم‌پسند، چه برای مولودی و چه مصیبت، کاملاً نشان‌دهنده کارکرد چنین اثری در جامعه عصر شاه طهماسب صفوی است. همچنین، شاید بتوان تبویب این کتاب را در ذکر وقایعی خاص تصادفی ندانست؛ به عبارت دیگر، این وقایع در تقویم آن روزگار ایران چه بسا مورد توجه دولتمردان و مردم قرار داشته است و

۲۲. مناقب، برگ ۲.

۲۳. همان، برگ ۴.

۲۴. همان، برگ ۷.

۲۵. همان، برگ ۱۳.

۲۶. همان، برگ ۷۵.

۲۱. این ابواب براساس باب‌بندی این کتاب، ابواب ۷۴ تا ۱۰۶ کتاب را شامل می‌شود؛ دیگر ابواب این کتاب یافت نشد.



میان می‌توان به «حضرت بندگی مخدومی مولانا عبدالعلی غفرالله عنه» اشاره نمود.^{۲۹}

همان‌گونه که اشاره شد، وی به نظم و نثر مسجع در بیان تاریخ علاقه داشته و نمونه‌های این اشعار در این رساله فراوان است. به عنوان نمونه، وی در باب میلاد نبی در دو بیت اعداد ده‌گانه را آورده است که ذکر آن در اینجا خالی از لطف نیست:

۱۰ بار ز ۹ سپهر و از ۸ بهشت / ۱۷ اخترم از ۶ جهت این نامه نوشت.

کز ۵ حواص و ۴ ارکان و ۳ روح / ایزد به ۲ کون چون تو ۱ بت نسرشت.^{۳۰}

به هر حال آنچه مسلم به نظر می‌رسد اینکه عبداللطیف شاعر بوده و خود نیز شعر می‌گفته است. وی صاحب اربعین حدیثی در باب مناقب حضرت علی (ع) بوده که معنی هر حدیث را در دو بیت به نظم درآورده و مجموع این احادیث و اشعار را در این رساله به طور کامل آورده است.^{۳۱} وی از برخی از شعرا نیز اشعاری را آورده است که برای نمونه می‌توان به جامی، سنایی و فریدالدین عطار نیشابوری اشاره نمود.^{۳۲} اما در بسیاری از اشعار بدون ذکر نام شاعر به ذکر اشعار پرداخته است و شاعر اکثر این اشعار مجهول است.

نتیجه‌گیری

پادشاهان صفوی تلاش داشتند تا با حمایت از مناقب‌نگاری ائمه اطهار که به نوعی دنباله مناقب‌نگاری صوفیانه سنی و شیعه بود، بنیان مشروعیت حکومت خود را در ایران، به ویژه در برابر خلافت عثمانی، مستحکم سازند. آنها در این زمینه به ویژه بر دو اصطلاح شیعه و اثنی عشریه تأکید خاص داشتند. جلوه تمام‌نمای چنین نگرشی را در کتاب مناقب نوشته عبداللطیف قزوینی به وضوح می‌توان مشاهده نمود. وی بنیان خلقت را بر عدد ۱۲ قرار داده و نور محمدی و اهل بیت عصمت و طهارت را سرمنشأ خلقت دانسته است. وی در همین راستا از

مؤلفان سعی کرده‌اند تا با نگارش آثاری در جهت فراهم نمودن مطالبی برگزیده برای استفاده در این مراسم گام بردارند، چیزی که مؤلف این اثر نیز از باب ۸۷ به آن اشاره دارد. همچنین، می‌توان چنین تصور کرد که تکریم و بزرگداشت چنین ایامی در ایران کاملاً در راستای استقرار ایدئولوژی شیعی در جامعه عصر صفوی قرار داشته و زمینه را برای پذیرش مکتب تشیع در بین مردم عامه آسان‌تر نموده است.

مراجع مورد استفاده مؤلف

با وجود عدم تقید مؤلف در ذکر منابع و مآخذ خود، می‌توان نام برخی از مراجع مورد استفاده وی را در لابه‌لای کلمات این رساله یافت: *اعلام‌الوری*، *روضه‌الواعظین* شیخ مفید، *لطایف البساتین* سیف‌الظفر طوسی، *بشائر المصطفی*، *روضه‌الاحباب*، *معارض*، *شواهد*، *دلایل مستغفری*، *تواریخ مولانا کاتبی*، *صحیفه رضویه*، *صحیحین*، *فصل الخطاب*، *کنز الغرایب*، *مصابیح القلوب*، *نور الأئمه*، *مقتل اسمعیل*، *تاریخ العالم*، *کتاب الریاحین*، *عیون الرضا*، *مرآت الجنان* و *کتب سیر*.^{۳۷} همچنین، وی در بیان روایات معمولاً یا نام راوی را ذکر می‌کند و یا از عبارات «نقل است»، «منقول است»، «قول دیگر»، «در اخبار آمده است»، «در بعضی کتب [سیر] مسطور است که»، «در سیر آورده که»، «در کتاب تواریخ آورده که»، «در بعضی تفاسیر آورده که»، «بعضی گفته‌اند که»، «در روایت چنین آمده»، «در بعضی روایات آمده»، «آورده‌اند که» و «چنین گویند که» استفاده می‌کند. از جمله راویان نیز می‌توان به آمنه، رسول اکرم (ص)، علی (ع)، امام جعفر صادق (ع)، ابن عباس، ام سلمه، عبدالله بن علی بن حسین، جابر بن عبدالله انصاری، عقیل بن ابی طالب، عبدالرحمن بن عوف، معاذ و حسن بصری در میان قدما، و اسمعیل کازرونی (صاحب سیر)، عبدالله مبارک، ابوالمؤید خوارزمی و ابوالمفاخر رازی از میان متأخران^{۳۸} اشاره نمود. همچنین، وی از افرادی نیز استماع حدیث کرده است که در این

۲۹. همان، برگ ۶۶.

۳۰. همان، برگ ۱۰.

۳۱. همان، برگهای ۱۱۳-۱۱۹.

۳۲. همان، برگ ۱۲۹ (راست).

۲۷. همان، برگهای ۸۴، ۹۰، ۹۱، ۱۰۰-۱۰۳، ۱۱۲، ۱۲۷، ۱۳۱.

۱۳۲، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۷۵، ۱۸۴، ۱۸۸، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳ و ۲۲۶.

۲۸. همان، برگهای ۷۹، ۱۵۴، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۱ و ۲۲۴.



اشعار فراوانی بهره برده است و تاریخ حیات پنج تن آل عبا را ضمن ابواب ۷۴ تا ۱۰۶ کتاب خود آورده است. او همچون روضه الشهداء کاشفی بیش از همه اهل بیت به امام حسین (ع) و ماجرای شهادت ایشان توجه داشته است و به نظر می‌رسد که این اثر به عنوان اثری حکومتی در توجه به وقایع مهم تقویم اسلامی جهت استفاده در مراسمهای اسلامی تألیف یافته است و انتخاب عناوین

ابواب این کتاب با وجود وقایع مختلف تاریخ صدر اسلام جای تأمل دارد. نویسنده در ذکر منابع خود توجه کافی ندارد و همین نیز فرضیه مذکور را در نگارش این اثر توسط نویسنده برای عوام در مراسمهای عمومی تقویت می‌کند و البته در عین حال از ارزش آن به عنوان اثری تاریخی می‌کاهد.

کتابنامه

۱. ابن یزاد، صفوة الصفا: مواهب السنیة فی مناقب الصفویة، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی شماره ۱۳۶۶۵.
 ۲. اربلی، علی بن عیسی، ترجمت المناقب، ترجمه علی بن حسین زواره‌ای، با مقدمه میرزا ابوالحسن شعرانی، تصحیح: سید ابراهیم میانجی، تبریز: انتشارات حاج محمدباقر کتابچی حقیقت، جمادی الثانی ۱۳۸۱ق.
 ۳. تهرانی، آقابزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
 ۴. جعفریان، رسول، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، قم، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ش.
 ۵. حسین‌زاده شانه‌چی، حسن، «روش‌شناسی تدوین سیره امامان در بحار الانوار»، مجله نامه تاریخ پژوهان، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۸۶ش.
 ۶. حسینی، عبدالله بن محمد رضا، تاریخ ائمه، کاتب: محمدحسن (شوال ۱۲۴۲ق، کرمانشاهان)، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی شماره ۱۴۴۸۱/۳.
 ۷. حموی، محمد بن اسحاق، انیس المؤمنین در احوال نبی اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام، تصحیح: میرهاشم محدث، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی؛ شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۶ش.
 ۸. رفاعی، عبدالجبار، معجم ما کتب عن الرسول و
- اهل البیت، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۱ش.
۹. عبداللطیف، مناقب، نسخه خطی کتابت شده در قرن ۱۰ق، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی شماره ۲۸۹۴.
۱۰. فهرست رایانه‌ای نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، از ۲۲۷ تا ۵۵۳.
۱۱. کوئین، شعله آلیسیا، تاریخ نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی: اندیشه، گرده برداری و مشروعیت در متون تاریخی عهد صفوی، ترجمه منصور صفت‌گل، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
۱۲. مجموعه احادیث و اخبار ائمه، از نویسنده‌ای ناشناخته، کتابت: سده ۹، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی شماره ۶۲۴.
۱۳. منزوی، احمد، فهرست‌واره کتابهای فارسی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۱۴. ورامینی، محمد بن ابی‌زید حسنی علوی، احسن الکبار فی مناقب الائمة الأطهار، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی شماره ۱۵۲۱۲.